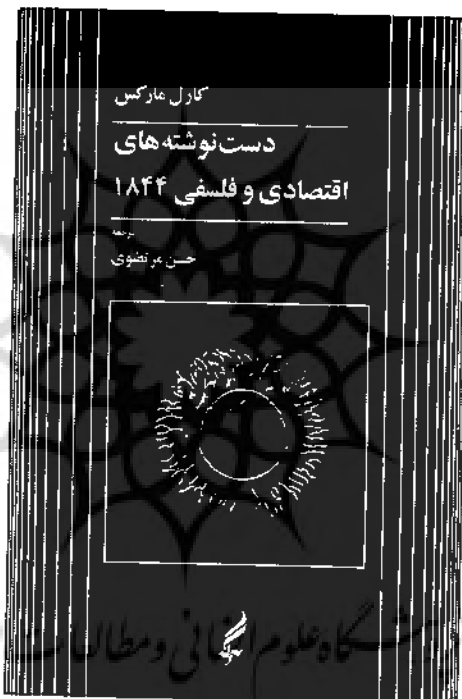


معرفی و نقد کتاب

نخستین پیش فرض‌های ماتریالیسم تاریخی

● فردین یزدانی

عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی



بجز آثاری که گروه‌های چپ‌گرا در مقاطعی کوتاه مدت، از ادبیات مارکسی، آن هم به صورت غیرقانونی و یا در شرایط بی‌ثبات به چاپ رسانده‌اند، هنوز آثار قابل توجهی از این جنبش فکری و اجتماعی، که نزدیک به یک سده بخش‌های بزرگی از جامعه جهانی را در اختیار داشت، به چاپ نرسیده است. طی چند سال اخیر ترجمه‌ای از گروندرریسه، هجدهم برومر لویی بناپارت و دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، تنها آثار منتشر شده رسمی و در اختیار همگان از مارکس است. این در حالی است که مارکس و مارکس‌گرایان یکی از شناخته‌شده‌ترین نام‌هایی است که در چند دهه اخیر بر زبان ایرانیان جاری بوده است و جامعه به شدت سیاسی شده ایران بیش از هر کلمه از آن‌ها نام برده یا از آن‌ها شنیده است، بدون آن که آثار مستقیم این مکتب فکری را در اختیار داشته باشد.

آن زمان که مارکس از شبی نام برد که بر فراز کشورهای سرمایه‌داری در پرواز است و با آن عبارت، بدن سرمایه‌داران را به لرزه انداخت، جبهه‌های را علیه خودگشوده یافت.

اما همزمان با آن، به دلیل اظهارنظر درباره مذهب، جبهه‌های دیگری نیز از جانب عمیق‌ترین و دیرینه‌ترین باورهای مردم علیه او ایجاد شد. حساسیت جوامع سرمایه‌داری نسبت به آموزه‌های مارکس هنگامی بیشتر شد که نوع نپخته و نارس آن در کشورهای بلوک شرق به اجرا درآمد و این امر، ایجاد جبهه‌های متعدد و محاصره و تحریم کامل آن اندیشه را در پی داشت. به طوری که این تحریم حتی تا درون دانشگاه‌ها و

مجامع تحقیقاتی نیز کشیده شد. اکنون با فروپاشی بلوک شرق از یک سو و تحول نظام‌های سرمایه‌داری نوع قرن هجده و نوزده به نظام‌های سوسیال - دموکراسی پایان قرن بیستم از دیگر سو، دستاوردهای اندیشه‌ای مارکس و آموزه‌های این مکتب از محاق خارج می‌شود و سیمای واقعی آن بدور از تعصب‌های موافقانه و مخالفانه شناخته می‌شود.

در ایران نیز این گرایش با تأخیر، اما به هر حال آغاز شده است. با این تفاوت که گرچه در دیگر کشورها، مارکس کمتر به دانشگاه‌ها راه یافته بود، اما آثار او به طور مرتب و آزادانه چاپ می‌شد و خوانندگان خود را می‌یافت. اما در ایران حتی چاپ آثار او با شک و تردید و ابهام به بازار کتاب راه یافته است.

بدیهی است که در دوران کنونی می‌توان هیاهوها و جنجال‌های پیرامون مارکس و اندیشه‌هایش را زدود و جان کلام او را به دور از شائبه‌های طرفداران متعصب و یا مخالفان سرسخت او دریافت. چنین شناختی بویژه برای کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران، که گام‌های اولیه را در راه صنعتی شدن بر می‌دارد و هنوز الگوی مناسبی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی نیافته است، از جمله ضرورت‌های علمی و تحقیقاتی است.

به آثار مارکس و انگلس، می‌توان و باید همچون آثار کلاسیک در زمینه‌های علوم انسانی و اجتماعی نگریست. این اندیشمندان نیز در زمره کسانی چون دکارت، کانت، هگل، اسمیت، کنت، دوتوکویل، وبر، دورکهم، کینز و جیز آن‌ها قلمداد می‌شوند و چون اندیشیده‌اند، حتماً دستاوردی هم داشته‌اند.

■ دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴

■ کارل مارکس

■ حسن مرتضوی

■ آگاه

◀ مارکس، دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی را هنگامی که کمی بیش از بیست و پنج سال داشت به رشته تحریر درآورد و تا مدت‌ها به دلایلی همچون ناپختگی و ناهمخوانی ظاهری با سایر آثار مارکس، از زمره آثار او خارج شده بود، اما در پی بازخوانی این آثار، ارزش این کتاب بیش از پیش نمایان شد

طلیعه آثار مارکس در ایران، بجز هجدهم برومر، دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها و مطالب انسجام نیافته‌ای است که قرار بوده بعداً به مجموعه اندیشه‌ها و آثار انسجام یافته او تبدیل شوند و بیشتر از جدال این اندیشمند با خود حکایت دارد. این سؤال بجاست که در میان انبوهی از آثار کلاسیک این مکتب، چرا خوانندگان ایرانی باید از این آثار آغاز کنند؟ پرسشی که مترجمان آن آثار بهتر جوابگوی آن هستند. اما تنها می‌توان گفت که به هر حال، این هم شروعی است و از قضا، خوانندگان ایرانی این بخت را دارند که با اندیشه‌های مارکس از نقطه‌ای آشنا شوند که سرچشمه است و در حال تشکیل.

مارکس، دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی را در سال ۴-۱۸۴۳، یعنی هنگامی که کمی بیش از ۲۵ سال داشت به رشته تحریر درآورد و بنابراین از جمله آثار دوران جوانی او محسوب می‌شود و تا مدت‌ها به دلایلی همچون ناپختگی و ناهمخوانی ظاهری با سایر آثار مارکس، از زمره آثار او خارج شده بود. اما با گرایشی که تحت عنوان بازخوانی آثار مارکس پدید آمد، ارزش این اثر بیش از پیش نمایان شد.

دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی حاوی مباحث پایه اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی و فلسفه است و دربرگیرنده این عنوان‌هاست: مزدکار، سود سرمایه، اجاره بهای زمین، کار بیگانه شده، برابر نهاد سرمایه و کار، مالکیت ارضی و سرمایه، مالکیت خصوصی و کار، مالکیت خصوصی و کمونیسم، در معنای نیازهای انسانی، قدرت پول در جامعه بورژوازی و تقدی بر کلیت دیالکتیک و فلسفه هگل. لویچو کولتی نیز مقدمه‌ای بر این اثر نوشته که خلاصه‌ای از آن از متن انگلیسی ترجمه شده است.

مارکس در سه بخش نخستین «دست‌نوشته‌ها»، همان طور که بعداً خاطر نشان می‌کند، پیوسته واژگان اقتصاددانان سیاسی کلاسیک، به ویژه آدام اسمیت را به کار می‌برد. بدین ترتیب نشان می‌دهد که دستگاه اندیشه‌ای‌اش را بر دستاوردهای اسلاف خود بنیاد گذاشته است. او در صفحات نخستین «دست‌نوشته‌ها» در حال درک چیزی است که منتقدان و مفسران او یک

◀ مارکس در صفحات نخستین «دست‌نوشته‌ها» در حال درک چیزی است که منتقدان و مفسران او یک قرن بعد هنوز در حال دست و پنجه نرم کردن با آن هستند: «شیئی تولید شده توسط کار دستمزدی بیگانه، صرفاً چیزی مادی نیست، بلکه همانا عینیت یافتگی ذهنیت کارگر و نیروی کار است»

اما در واقع یکی از مهم‌ترین بینش‌هایی را نشان می‌دهد که بعدها در کتاب سرمایه شرح و بسط یافت: «کار مزدوری نه تنها کالا تولید می‌کند، بلکه خود را به عنوان کالا، تولید و باز تولید می‌کند، نه تنها اشیاء را، بلکه مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری را نیز تولید و باز تولید می‌کند.»

آنچه که در استدلال‌های «دست‌نوشته‌ها» نهفته است و در حقیقت نخستین پیش‌فرض‌های ماتریالیسم تاریخی را در بر دارد، کشف مفهوم مناسبات اجتماعی تولید است. این مناسبات پیوسته در حال تغییرند، زیرا آدمی با تولید اشیاء در عین حال مناسبات خاص خویش را تولید می‌کند و هنگامی که طبیعت را دگرگون می‌کند، خود را نیز دگرگون می‌سازد. از این روست که مارکس در آخرین «دست‌نوشته» تأیید می‌کند که عمل، آفرینش انسان تاریخ است. زیرا وجود آدمی بسته به آن است که چگونه خود را می‌سازد و شدن او از لحاظ تاریخی چگونه است.

«دست‌نوشته‌ها» به عنوان یکی از آثار دوران جوانی مارکس حاوی ارزش دیگری نیز هست و آن روش دیالکتیکی اوست. گرچه در این اثر ناهمانندی‌هایی با ماتریالیسم دیالکتیک و قوانین سه‌گانه‌اش (دگرگونی کمیت به کیفیت، نفی در نفی و وحدت اضداد) به چشم می‌خورد، اما در عوض خوانندگان در هر عبارت کتاب، می‌توانند دیالکتیک را به عنوان یک روش به صورت کاربردی و مضمونی به خوبی مشاهده کنند به موارد زیر توجه کنید:

مارکس در تفسیر قسمتی از نمایشنامه فاوست اثر گوته می‌نویسد: «اگر پول، زنجیری است که مرا به زندگی انسانی، جامعه را به من و من و طبیعت را به یکدیگر پیوند می‌دهد، آیا زنجیر زنجیرها نیست؟ آیا پول نمی‌تواند تمام بندها را باز کند و از تو ببندد؟ بنابراین آیا پول عامل جهان شمول جدایی نیست؟ پول نماینده راستین جدایی و نیز نماینده راستین پیوندهاست.»

بر متن فارسی این اثر که با زحمت زیاد و دقت بسیار و با نثر گویا و روان ترجمه شده است، بجز موارد جزئی در ویرایش، خرده‌ای نمی‌توان گرفت.

◀ با فروپاشی بلوک شرق از یک سو و تحول نظام‌های سرمایه‌داری نوع قرن هجده و نوزده به نظام‌های سوسیال - دموکراسی پایان قرن بیستم از دیگر سو، دستاوردهای اندیشه‌ای مارکس از محاق خارج می‌شود و سیمای واقعی آن به دور از تعصبات موافقانه و مخالفانه شناخته می‌شود

قرن بعد هنوز در حال دست و پنجه نرم کردن با آن هستند: «شیئی تولید شده توسط کار دستمزدی بیگانه، صرفاً چیزی مادی نیست، بلکه همانا عینیت یافتگی ذهنیت کارگر و نیروی کار اوست.» «کالاها فقط از آن جهت دارای خصلتی عینی به نام ارزش می‌شوند که مبین ماده اجتماعی یکسانی به نام کار انسانی هستند.» این یافته‌ها، بعدها هسته اولیه نظرهای ارزش اضافه و بیگانگی را تشکیل می‌دهند.

مارکس تلاش می‌کند تا فرآیند بیگانگی را که در سه جهت یا سه بعد در یک زمان اتفاق می‌افتد، به تصویر کشد: ۱- بیگانگی کارگر از محصول مادی و عینی خویش ۲- بیگانگی از کار خویش ۳- بیگانگی از سایر آدم‌ها. در نگاه نخست، چنین فرمول‌بندی‌هایی شبیه یک جور معما یا یک جور بازی با کلمات می‌ماند.